



15 مارچ 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

آقای خلیزاد یک کمی تکیه به عقب!

امروز دو مقاله بسیار مهم درباره اقدامات داکتر زلمی خلیزاد در این پورتال وزین به نشر رسید: یکی نوشته تحلیلی و مستدل محترم انجنیر نجیب الله داوری تحت عنوان "آقای دوکتور زلمی خلیزاد مانده نباشی و عرض دارم" و دیگر مقاله محترم واحد فقیری تحت عنوان "آیا خلیزاد غواری چه افغانستان ویسرای سی؟" که از آقای حمد الله محب مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آنچه در دیلی بیست امروز به نشر رسیده بود، نقل قول کرده و به سخنان بسیار صریح و جدی او حین سفرش به واشنگتن روشنی انداخته است.

محتوای این دو مقاله ظاهراً با عبارات و شیوه بیان مختلف، اما در واقع روی یک هدف و دور یک محور خاص می چرخد، به این زعم که مقاله اولی خلیزاد را متوجه خطرات ناشی از اقدامات نا عاقبت اندیشانه او برای آینده افغانستان می سازد و توصیه می نماید که تضعیف حکومت موجود در برابر طالبان و در عین زمان بالا آوردن نقش مخالفان اشرف غنی (در راس آن حامد کرزی) برای اداره موجود امریکا یک مسئولیت تاریخی را بار می آورد. امریکا نباید اشتباه شوروی سابق را در راستای خروج قوا از افغانستان مرتکب شود و افغانستان را بار دیگر دچار جنگ داخلی سازد. خلیزاد به حیث نماینده وزارت خارجه امریکا در امور صلح افغانستان باید بداند که با بقدرت رساندن مجدد طالبان این کشور را بار دیگر به مرکز غیرقابل کنترل تروریسم و تربیه گاه بزرگ آنها مبدل خواهد ساخت. امریکا نباید فریب این وعده طالبان را بخورد که گویا طالبان تضمین میدارند تا با تروریست ها قطع علائق نمایند. مسلم است وقتی آنها به قدرت برسند، حاکم بر سرنوشت افغانستان در واقع همانا پاکستان و آی اس آی خواهد بود. آنها همه مدرسه های تربیه تروریستان را زیر نام مدارس دینی به افغانستان انتقال خواهند داد و عملیات دهشت افگنی را ظاهراً از خاک خود دور کرده و اما آنرا در افغانستان زیر نظر خود فعال خواهند ساخت.

انجنیر داوری با شرح و بسط دلچسپ در پایان نوشته خود از خلیزاد میخواهد که بجای طالبان در پی تقویه اشرف غنی باشد، زیرا او کسی است که اگر مورد حمایت جدی قرار گیرد، میتواند افغانستان را از این بحران نجات دهد.

این نظر انجنیر داوری را اینجانب بتاريخ اول فبروری طی مقاله "از نظام موجود باید دفاع کرد! اشرف غنی را تنها نگذارید!" بیان و از خلیزاد تقاضا غور و تعمق را در زمینه کرد، ولی او به چنین صداها وقع نمی گذارد، چون به گفته حمد الله محب: او میخواهد بار دیگر ویسرای افغانستان باشد.

علاوتاً اینجانب در مقاله دیگر خود تحت عنوان "دولت و لزوم یک طرح مشترک برای مذاکرات صلح با طالبان" (منتشره این پورتال مورخ 19 فبروری) پیشنهاد کرد که خلیزاد بجای آنکه زیر عنوان "مذاکرات بین الافغانی" سعی کند تا دولت را در جمله دیگر جریانهای سیاسی به پای بوسی

طالبان بکشاند، بهتر است همه جریانهای سیاسی و جامعه مدنی افغانستان را مجبور بسازد تا نخست با دولت به مشوره پرداخته نظر مشترک را توحید و انسجام داده و سپس این نظر مشترک را از طریق دولت در مذاکره با طالبان مطرح سازد. اینکه خلیلزاد میخواهد موقف دولت را در مذاکره با طالبان در سطح گروه های سیاسی پایان آورد، یک اشتباه بزرگ و یک جفای نابخشودنی در حق دولت و مردم افغانستان و مقام ریاست جمهوری کشور به حیث یک دولت مشروع میباشد.

در این ارتباط بيمورد نخواهد بود تا راجع به اوضاع جاری در مزار شریف به این نکته اشاره کرد که تبدیلی مامورین دولت از صلاحیت رئیس جمهور است و اینکه عطا محمد نور آنرا از صلاحیت خود بر طبق توافقنامه؟؟ میداند، هیچ نوع استناد قانونی نداشته و تحریکات او نشانه ای واضح از ایجاد بی ثباتی و زیر فشار قرارداد دولت و در راس آن رئیس جمهور است تا بدینوسیله اعتبار دولت را نزد همه کاهش دهد و چنین وانمود سازد که یک قسمت اداره کشور در دست طالبان و قسمت های دیگر کشور در دست و اختیار جنگ سالاران قدیم و جدید است و بناءً دولت و در راس آن رئیس جمهور فاقد سلطه و اختیار لازم در کشور میباشد.

در این مورد بعضی ها به این نظر استند که وضع طی دو سه روز گذشته در مزار شریف بدون روشن ساختن چراغ سبز بطور غیرمستقیم بوسیله خلیلزاد و سفارت امریکا ممکن بوده نمی توانست. آنها در پس پرده عطا محمد را و شاید هم در چند روز بعد ظاهر قدیر و امثال او را تشویق به راه اندازی اقدامات شبیه سازند، تا بدانوسیله بر اشرف غنی فشار بیاورند که به مثابه "امیر محمد یعقوب خان" یا سر اطاعت به فرمان جناب وایسرا بگذارد و با تقلیل موقف دولت به حیث یک فعال سیاسی با دیگر فعالان سیاسی به خدمت طالبان بشتابد. ویا اگر اشرف غنی طوریکه تاحال از این خواست وایسرا شانه خالی کرده است، باز هم در برابر فشارهای اومقاومت کند، در آنصورت گرگهای گرسنه قدرت را به جان آن حواله دهد تا با راه اندازی نظیر اقدامات در مزار شریف قدرت و سلطه دولت را در دیگر قسمت های کشور به ضعف مواجه سازد. در نتیجه بروز همچو حالات این شایعه را که گویا دولت حاکمیت خود را در افغانستان از دست داده است، زمینه ساز تبلیغ برای لزوم تشکیل حکومت مؤقت گردند و با تدویر کنفرانس "بن دوم" قانون اساسی افغانستان را نادیده گرفته و به تشکیل حکومت مؤقت پردازند و بار دیگر یک شخصی مثل کرزی را بقدرت برسانند که اختیار اداره مملکت در واقع بدست وایسرا باشد.

در اینجا باید علاوه کرد که مخالفان غیر مسلح دولت، بخصوص کسانی که خود را از قدرت در حاشیه می بینند و یا از آینده ترس دارند که با ادامه کار اشرف غنی از قدرت مافیائی خود برکنار و حتی مورد بازجوئی قرار خواهند گرفت، با خلیلزاد همنوا شده و همه در مجموع برای سقوط اشرف غنی از قدرت دست بدست هم داده و در عین زمان در تخریب او در انتخابات ریاست جمهوری پیشرو (اگر این انتخابات صورت گیرد) همکار و هم پیمان خواهند شد.

اینکه سفیر امریکا در کابل میگوید که مشکل مزار شریف را باید از طریق تفاهم حل کرد، بذات خود معنی میدهد که او بجای آنکه اقدامات دولت و در راس آن رئیس جمهور را مورد حمایت قرار دهد و بر عطا محمد فشار بیاورد که حق مداخله را در امور اداری کشور ندارد، برعکس با اعلام اینکه مشکل باید از طریق تفاهم شود، میخواهد از موقف عطا محمد حمایت کرده و بار دیگر او را در موقعیت بالاتر قرار دهد. مذاکره و تفاهم در این موضوع چه مفهوم را بیان خواهد کرد، جز آنکه

رئیس جمهور مجبور شود حدود سلطه غیر قانونی عطا محمد را در آن ولایت به نحوی به رسمیت بشناسد و باز در وجود بی روح قدرت او روح تازه بدماند.

این بازیهای شیطانی عاقبت افغانستان را تیره و تار خواهد ساخت و نظم نیم بند موجود را که در طول این چند سال در کشور ریشه گرفته است، از هم خواهد پاشید. اینجاست که اکنون نقش نسل جوان مطرح میشود که با درایت و آگاهی دقیق وارد میدان عمل شوند و نگذارند گرگان قدرت بار دیگر بر کشور حاکم شده و سرنوشت مردم و وطن را بدست مافیا و در مجموع بدست گیرند و برطبق اجندای علاقمندان بیرونی هریک آنها عمل کنند و تاریخ بار دیگر با شدت بیشتر تکرار شود.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ